

کنترل خشونت‌های زیست‌محیطی از دیدگاه نظریه بازدارندگی کیفر

دکتر مهدی صبوری پور* - امین حاجی‌وند**

چکیده:

امروزه جرایم خشونت‌آمیز زیست‌محیطی، جهان معاصر را با معضلات و پریشانی‌های عظیمی روبه‌رو کرده است. منظور از جرایم خشونت‌آمیز زیست‌محیطی، آن دسته از رفتارهای پرخاشگرانه است که در قوانین جزایی دارای مجازات می‌باشند. پرخاشگری علاوه بر آسیب‌های جسمی، آسیب‌های روانی را نیز دربرمی‌گیرد، آن‌چنان‌که امروزه در جرایم زیست‌محیطی مشهود است. یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط‌زیست این است که مجازات‌ها بایستی مناسب و کارآمد باشند. ضمانت‌اجرای مناسب و کارآمد آن است که بتواند بازدارندگی داشته باشد. نظریه بازدارندگی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه‌های مربوط به توجیه کیفر است. فرض اساسی نظریه بازدارندگی آن است که انسان، موجودی عاقل و اندیشمند است و در نتیجه به بررسی هزینه - فایده اعمال و اقدامات خود می‌پردازد. بر اساس نظریه بازدارندگی، قطعیت، شدت مجازات و سرعت در اجرای آن می‌تواند از ارتکاب جرایم توسط بزهکاران بالقوه پیشگیری کند، به طوری که وی را به سوی عدم ارتکاب جرم سوق دهد.

در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی سعی بر آن شده که جلوه‌های همسو و مغایر با بازدارندگی در عرصه تقنین و قضا مورد تحلیل قرار گرفته و به ارائه پیشنهادهای کاربردی بپردازد.

کلیدواژه‌ها:

خشونت، جرایم زیست‌محیطی، بازدارندگی کیفر، شدت مجازات، حتمیت مجازات.

* استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Email: m_sabooripour@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد،

Email: aminhajivandlaw@gmail.com

خراسان رضوی، ایران، نویسنده مسئول

مقدمه

امروزه باتوجه به اینکه شوربختانه، ارتکاب جرایم زیست‌محیطی، رو به افزایش است، مبارزه با جرایم زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های هر نظام حقوقی است؛ اما مقابله و مبارزه با این دسته از جرایم، بسی دشوار می‌نماید چراکه مجرمان این حوزه دارای حالت خطرناکی بوده و مهم‌تر اینکه مجرمان یقه‌سبز هستند. امروزه در جرم‌شناسی سبز که یکی از گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی است و از منظرگاه علم جرم‌شناسی به بزهکاری علیه محیط‌زیست می‌پردازد، این عقیده شکل گرفته است که باید بزهکاران زیست‌محیطی را بزهکاران یقه‌سبز نامید، زیرا غالب مرتکبان جرایم زیست‌محیطی را همان یقه‌سفید موضوع علم جرم‌شناسی تشکیل می‌دهند. از این رو باتوجه به موضوع جرایم ارتكابی باید این واژه را به بزهکاران این دسته از جرایم اطلاق نمود.^۱

در عصر حاضر، جرم خشونت‌آمیز دیگر بر پایه مفهوم سنتی خود قابل‌تعییر نیست. خشونت در معنای مدرن بیشتر بر مفهوم پیامدگرایی استوار است، این بدین‌معناست که در جرایم زیست‌محیطی اگرچه ابزار مطروحه برای رسیدن به هدف آلت قتاله نیست اما رعب‌آورتر از آن نیز هست چراکه مثلاً آمیختن یک ماده سمی به منبع آب انسانی می‌تواند پیامدهای ناگوار و غیرقابل‌جبرانی را به‌دنبال داشته باشد. فلذا می‌توان این‌گونه بیان داشت که جرایم خشونت‌آمیز مدرن، بزه‌دیدگان وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد که در خشونت‌های زیست‌محیطی علاوه بر گسترده بودن بزه‌دیدگی می‌توان از نامحسوس بودن بزه‌دیدگی نیز سخن گفت، چراکه یک جرم زیست‌محیطی در طول زمان می‌تواند آثار نامطلوبی بر جای گذارد که این همان بزه‌دیدگی خاموش است که قربانی جرم درنهایت بعد از چندین مدت می‌تواند تازه درک کند که قربانی جرم واقع شده است. همین امر باعث شده است که مارک آنسل در کتاب دفاع اجتماعی خویش جرم زیست‌محیطی را یکی از اشکال نوین بزهکاری دانسته که تبدیل به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر نظام حقوقی شده است.^۲ درخصوص حمایت از محیط‌زیست، نظام حقوق کیفری می‌تواند از طریق جرم‌انگاری و وضع مجازات‌های بازدارنده به کنترل رفتارهایی اقدام کند که رعایت آنها برای جامعه ارزشمند و ضروری تلقی

۱. حمیدرضا گرجی‌فرد، *جرم‌شناسی سبز* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵)، ۱۷۹.

۲. مارک آنسل، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: نشر گنج دانش،

می‌شود.^۳

یکی از بایسته‌های اولیه برقراری رژیم کیفری در هر نظام حقوقی، شناسایی، تدوین و ایجاد نظام سلسله‌مراتبی در میان ارزش‌های حقوقی جوامع است. با برقراری نظام سلسله‌مراتبی و تقسیم ارزش‌ها به ارزش‌های فرادست و فرودست است که شکل‌گیری یک نظام کیفری با حمایت از ارزش‌های فرادست ضرورت یافته و توجیه می‌شود. یکی از ارزش‌های بنیادین حق بر محیط‌زیست سالم است.^۴ حق بر محیط‌زیست سالم همانند سایر حقوق مدنی و سیاسی برای توسعه پایدار حائز اهمیت است و این موضوع در دهه‌های اخیر موردپذیرش قرار گرفته است.^۵ امروزه حق بر محیط‌زیست سالم در حقوق داخلی در قالب قوانین اساسی، آرای دادگاه‌ها و رویه‌های اداری شناسایی و تضمین شده است. در کشور ما در اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۵۰ قانون اساسی این حق به رسمیت شناخته شده است. در واقع در اینجا می‌توان از اساسی‌سازی حق بر محیط‌زیست سالم سخن گفت. اساسی‌سازی عموماً به فرایند تغییر و تحولی اطلاق شده است که به سبب رخنه و نفوذ هنجارهای اساسی در گرایش‌های مختلف علم حقوق (از جمله حقوق محیط‌زیست) و در نتیجه آمیختن مجموعه نظم حقوقی به این هنجارها به وجود می‌آید.^۶

در خصوص تعریف جرم زیست‌محیطی بایستی این مهم را اشاره نماییم که با دو رویکرد می‌توان جرم زیست‌محیطی را موردتحلیل و شناسایی قرار داد. اولین رویکرد عبارت است از رویکرد حقوقی که در واقع، مطابق این رویکرد، ملاک شناسایی جرایم زیست‌محیطی، قانون کیفری است چراکه در رویکرد حقوقی، مهم‌ترین اصل، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست. قانون اساسی ایران نیز مستند به قانون بودن مجازات را الگوی خویش قرار داده و این مهم را در میثاق ملی موردشناسایی قرار داده و در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به این مهم اشاره نموده است؛ اما امروزه در جرایم زیست‌محیطی نمی‌توان این انتظار را داشت که بتوان با رویکرد قانونی بودن جرایم، مقابله مؤثری با جرایم زیست‌محیطی انجام داد فلذا مطابق دومین رویکرد که رویکرد جرم‌شناختی است، اصل ضرر

3. David M. Uhlmann, "Protection of the Environment through Criminal Law: An American Perspective," *Law Review* 6(2) (December 2016): 159.

۴. محسن، عبدالمهدی، «جنایت بر ضد محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل»، *مجله علوم محیطی* ۵ (۱) (۱۳۸۲)، ۵۰.

۵. مهدی زهره‌وندی، «نقش قوه قضائیه در قبال مسائل زیست‌محیطی» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰)، ۱۹.

۶. جواد تقی‌زاده دوغیکلا، «مسئله اساسی‌سازی نظم حقوقی»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۱۱ (۱۳۸۳)، ۱۰۳.

مرکز توجه است.^۷ در شرح این مورد بایستی این‌گونه عنوان داشت که جرایم زیست‌محیطی، شوربختانه رو به فزونی است و نمودی از این جرایم به‌صورت مدرن مطرح شده که از قاچاق کلرفلورکربن‌ها گرفته تا فروش غیرقانونی زباله‌ها ادامه پیدا کرده است فلذا توجه به اصل ضرر در این دسته از جرایم و چشم‌پوشی از اصل قانونی بودن جرایم هرگز بدین‌معنا نیست که این اصل دیگر فاقد کارایی است بلکه رویکردهای جرم‌شناسانه به‌دنبال تضمین حقوق بنیادین انسان‌هاست و این مهم فقط در پرتو جرم‌انگاری‌ها نیست بلکه توجه به ضرر به‌عنوان ملاکی برای جرم بودن عمل است.

باتوجه به مباحث فوق‌الذکر بایستی اذعان داشت که درجهت کنترل خشونت‌های زیست‌محیطی بایستی به ابزار کیفر متوسل گردید؛ اما صرف وضع کیفرهای نامناسب نمی‌تواند کنترل‌کننده این دسته از جرایم باشد. وضع کیفرهای متناسب که از بازدارندگی کافی برخوردار بوده باشد، انسان را به استفاده‌ای معقول، اندیشمندانه و متناسب فرامی‌خواند و زمینه‌پی‌ریزی توسعه پایدار را فراهم می‌آورد. به‌عبارت‌دیگر در حوزه این جرایم نیز بایستی کیفرهای متناسبی وضع نمود که هدف بازدارندگی کیفر تأمین شود و این یکی از بایسته‌های مهم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست است؛ چراکه اگر مجازات مؤثر باشد هم در کاهش نرخ کلی جرایم و هم در تکرار جرم توسط مجرمان سابق مؤثر واقع می‌شود. درخصوص ارزیابی نظریه بازدارندگی کیفر، تحقیقی در مرکز مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی دانشگاه تورنتو کانادا صورت گرفته، در این پژوهش بازدارندگی را بی‌اعتبار قلمداد نموده‌اند.^۸

در این تحقیق سعی شده که با روش تحلیلی - توصیفی به بحث کنترل خشونت‌های زیست‌محیطی در پرتو نظریه بازدارندگی کیفر پرداخته شود. فلذا در فصل اول به مفهوم‌شناسی و سیر تحول نظریه بازدارندگی کیفر پرداخته و سپس به بررسی جلوه‌های همسو و مغایر با این نظریه در جرایم زیست‌محیطی می‌پردازیم و در پایان به ارائه نتایج و پیشنهاد‌های کاربردی خواهیم پرداخت.

۷. قادر زارع مهدوی و حمیدرضا دانش‌ناری، امنیت بین‌المللی و جرایم زیست‌محیطی (تهران: نشر میزان،

۱۳۹۵)، ۷۲.

8. A.N Doob, *Issues Related to Harsh Sentences and Mandatory Minimum Sentence: General Deterrence and Incapacitation* (Toronto: Center for Criminology Sociological Studies, University of Toronto, 2014), B-1.

۱- مفهوم و سیر تحول

بازدارندگی، به مثابه یکی از اهداف و کارکردهای مجازات از یک سو و به عنوان ستون فقرات مکتب کلاسیک به عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب کیفری از سوی دیگر، مفهومی است که در طول زمان تکامل یافته است. این مفهوم اگرچه در دامان رویکرد اقتصادی به جرم زاده شد و بالیدن گرفت، اما محدود به این حوزه نماند و پژوهش‌های بعدی در حوزه‌های روان‌شناسی رفتاری، بر غنای آن افزود و به این ترتیب، امروزه می‌توان ادعا کرد که قرائت امروزین از نظریه بازدارندگی، ضمن برخورداری از مبنای فلسفی - نظری قوی، از انطباق خوبی با یافته‌های تجربی نیز برخوردار است. در این بند ابتدا مفهوم نظریه بازدارندگی تبیین می‌شود و سپس سیر تحول تاریخی این نظریه در قالب دو رویکرد عقلانیت مطلق و مقید توضیح داده می‌شود.

۱-۱- مفهوم‌شناسی

مجازات، به دلیل تعارض آن با حقوق بنیادین اشخاص از قبیل حق حیات، آزادی رفت‌وآمد و حق بر تمامیت جسمانی، همواره نیازمند توجیه بوده است. از دوران باستان تا امروز، مجازات همواره بر مبنای اهداف و کارکردهای مفروض آن توجیه شده است. به‌طور کلی، دو تفکر را در زمینه اهداف کیفر می‌توان از یکدیگر متمایز کرد: تفکری که کیفر را با گذشته مرتبط می‌داند و دیگری که کیفر را با نگاه به آینده اعمال می‌کند. این دو اندیشه را به ترتیب پیامدگرا^۹ و غیرپیامدگرا^{۱۰} می‌نامند.^{۱۱} به موازات این تفکیک، کارکردهای کیفر نیز به دو دسته قابل تقسیم هستند: اخلاقی و فایده‌گرایانه. کارکرد اخلاقی کیفر، سزادهی و تحقق عدالت است. از سوی دیگر ارباب، اصلاح، سلب توان بزهکاری و تشفی خاطر بزه‌دیده نیز از کارکردهای فایده‌گرایانه کیفر هستند.^{۱۲}

یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق مکاتب بزرگ حقوق کیفری، آن هدف و کارکردی از

9. Consequentialism

10. Non-consequentialism

۱۱. علی صفاری، «کیفرشناسی و توجیه کیفر» در علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر (تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴)، جلد دوم، ۱۰۴-۱۰۳.

۱۲. برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۲)، چاپ سوم،

مجازات است که برای آن اولویت قائل می‌شوند، چنان‌که مثلاً مکتب عدالت مطلق بر اجرای عدالت به‌عنوان هدف اصلی مجازات تأکید می‌کند و مکتب دفاع اجتماعی نوین این جایگاه را به اصلاح بزهکار می‌دهد. در این میان، مکتب کلاسیک، بازدارندگی را مهم‌ترین هدف و کارکرد کیفر می‌داند و اوصافی مانند رنج‌آور بودن، مردمی بودن و متناسب بودن آن با خصوصیات بزهکار را برای تحقق این هدف ضروری می‌شمارد.^{۱۳} بازدارندگی، نگاه به آینده دارد و در پی آن است که از ارتکاب جرم در آینده، چه توسط محکوم‌علیه و چه از سوی سایر افراد جامعه، جلوگیری کند.

نوشته‌های متفکران مکتب کلاسیک، به‌ویژه جرمی بنتام انگلیسی، آکنده از ملاحظاتی است که برای افزایش ویژگی ارعابی و کارکرد بازدارنده مجازات مطرح کرده‌اند.^{۱۴} رنج کیفر از نظر بنتام بر دو نوع است: رنج واقعی که به بزهکار تحمیل می‌شود و رنج ظاهری که برحسب آنچه انسان‌ها از کیفر می‌دانند، در ذهن آنها پدیدار می‌شود. این رنج ظاهری است که باید اهمیت داده شود. در این راستا، او بر هولناک بودن کیفر تأکید می‌کند. به‌عنوان مثال در زندانی که برای محکومان به حبس غیردائم پیشنهاد می‌کند، زندانیان به انجام کارهای شاق و آموزش مذهبی می‌پردازند و صورتشان نیز با علامت خاصی مشخص است. محکومان به حبس ابد، وضعیت بدتری در نظام پیشنهادی وی دارند؛ دیوارهای محل نگهداری آنها باید به رنگ سیاه و با نشانه‌هایی که ملاقات‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهد، آراسته گردد. زندانیان نیز باید در شرایط اسفباری زندگی کنند. بنتام استفاده از نشان‌های رسواکننده مانند غل و زنجیر و داغ ننگ را نیز با این هدف که افکار عمومی بتواند بزهکار را تحقیر کند، می‌پذیرد.^{۱۵} تمامی این تدابیر که بعضاً مغایر با کرامت و شأن انسان به‌نظر می‌رسند، درجهت به حداکثر رساندن کارکرد بازدارنده کیفر، به‌ویژه از حیث بازدارندگی عمومی است.

به این ترتیب از دوران مکتب کلاسیک حقوق کیفری، بازدارندگی به‌عنوان هدف اصلی مجازات مطرح شده و تا امروز نیز این جایگاه برجسته را در رویکرد عقلانیت بزهکاری حفظ

۱۳. فیروز محمودی جانکی و سارا آقایی، «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران) ۳۸ (۲) (۱۳۸۷)، ۳۵۰-۳۴۹.

۱۴. کریستین لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲)، ۴۷.

۱۵. ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱)،

کرده است؛ اما نوع نگرش به این مفهوم در طول تاریخ تحول پیدا کرده و جلوه‌های متفاوتی به خود گرفته است.

۱-۲- سیر تاریخی رویکردها

نظریه بازدارندگی ابتدا در قالب رویکرد عقلانیت مطلق مطرح شد؛ اما نقدهایی که بر این دیدگاه وارد شد و همچنین بررسی‌های تجربی که به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیستم در مورد واقعیت‌های حاکم بر تصمیم‌گیری انسان انجام شد، نشان داد که انسان از عقلانیتی محدود و نسبی برخوردار است. بر این اساس، نظریه بازدارندگی دارای دو قرائت است. قرائت نخست مبتنی بر عقلانیت مطلق و قرائت دیگر بر اساس عقلانیت نسبی است. ذیلاً در خصوص هر یک از این رویکردها توضیح مختصری داده می‌شود.

۱-۲-۱- بازدارندگی بر مبنای عقلانیت مطلق

پیشگامان مکتب کلاسیک حقوق کیفری، یعنی سزار بکاریا و جرمی بنتام، از رویکرد عقلانیت مطلق برای تبیین ارتکاب جرم استفاده می‌کردند. خصوصاً بنتام معتقد بود که انسان، با یک لذت‌گرایی عقلانی^{۱۶}، به دنبال آن است که با کمترین هزینه و رنج، بیشترین فایده و لذت را حاصل کند. این دیدگاه، در قرن بیستم صورت‌بندی دقیق‌تری پیدا کرد و تحت عنوان نظریه «فایده‌موردانتظار»^{۱۷} مطرح شد. رویکرد عقلانیت مطلق بزهکاری، این نظریه را که از فروع نظریه‌گزینش عقلانی است، برای توضیح شرایط حاکم بر تصمیم‌گیری برای ارتکاب یا عدم ارتکاب بزه به کار می‌گیرد. این دیدگاه، بزهکار بالقوه را دارای عقلانیت، قدرت حسابگری و تصمیم‌گیری و کنترل نفس در مفهوم تام و کامل خود می‌داند.

نظریه فایده‌موردانتظار، توسط جان فون نویمان^{۱۸} و اسکار مورگن‌استرن^{۱۹} در سال ۱۹۴۴ و به‌عنوان مدلی عمومی برای تبیین تصمیم‌گیری در شرایط توأم با ریسک ارائه شد. روشن است که یکی از بارزترین مصادیق تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت که این مدل ناظر به آن است، تصمیم‌گیری برای ارتکاب جرم است زیرا منافع و خصوصاً هزینه‌های جرم، جنبه قطعی ندارند و از این‌رو تصمیم‌گیری بزهکار بالقوه، در شرایط عدم قطعیت و توأم با ریسک صورت می‌گیرد. این مدل، مبتنی بر این فرض است که فرد در مقام تصمیم‌گیری، نسبت به

16. Rational Hedonism

17. Expected Utility Theory

18. John Von Neumann

19. Oskar Morgenstern

تمام گزینه‌هایی که برای وی ممکن است، اطلاع کامل دارد. سپس تمامی نتایج را که ممکن است از انتخاب وی به بار آید و هزینه‌ها و فواید گزینه‌های مختلف را در نظر می‌گیرد و آنگاه متناسب با نگرشی که نسبت به «ریسک» دارد، اقدام به انتخاب می‌کند.^{۲۰}

قائلان به این دیدگاه، در رابطه با علت‌شناسی ارتکاب جرم معتقدند که فردی که به ارتکاب جرم فکر می‌کند، تنها در صورتی اقدام به این کار خواهد کرد که منافع موردانتظار وی از ارتکاب جرم، بیش از هزینه‌های آن باشد. این رویکرد بر این اعتقاد است که نمی‌توان به انگیزه واقعی رفتارها پی برد و بر همین اساس توجه به آن را کنار می‌گذارد و به سمت آن می‌رود که تمام رفتارهای افراد را عقلانی بداند. در این دیدگاه، عدم عقلانیت نادیده گرفته می‌شود و انکار می‌گردد.^{۲۱}

در زمینه تعیین سیاست کیفری مطلوب نیز به تبع باوری که در رابطه با علت ارتکاب جرم دارند (بیشتر بودن منافع نسبت به هزینه‌های جرم) معتقدند که کافی است «مجازات موردانتظار»^{۲۲} بزهکار بالقوه، برابر با منفعت موردانتظار وی از ارتکاب جرم قرار داده شود. در این صورت چون ارتکاب جرم دارای بازده مثبت نیست، وی از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد و بازدارندگی موردنظر تأمین می‌گردد. «مجازات موردانتظار» مفهومی است متفاوت از مجازاتی که در قانون پیش‌بینی شده است. مجازات موردانتظار بر اساس دو مؤلفه «شدت»^{۲۳} و «قطعیت»^{۲۴} تعیین می‌شود. به عنوان مثال اگر مجازات از نوع جزای نقدی، شدت آن به میزان یک میلیون ریال و قطعیت آن نیز ده درصد باشد (به این معنا که مجازات پیش‌بینی شده قانونی، از هر ۱۰ نفر مرتکب جرم در مورد یک نفر اعمال شود) میزان مجازات موردانتظار معادل یکصد هزار ریال است ($100,000 = 10,000 \times 10\%$).

گری بکر، اقتصاددان آمریکایی برنده جایزه نوبل، این دیدگاه را تکامل بخشید؛ به این ترتیب که مؤلفه «خطرپذیری»^{۲۵} را نیز در آن وارد کرد. تا پیش از آن تصور بر این بود که فایده جرم برای بزهکار، متناسب با میزان نتیجه افزایش می‌یابد. مثلاً اگر میزان مال مسروقه دو برابر شود و از یک میلیون ریال به دو میلیون ریال افزایش پیدا کند، فایده و مطلوبیت آن

20. Simon Harold Grant and Timothy Van Zandt, "Expected Utility Theory," (November 25, 2007). INSEAD Business School Research Paper No. 2007/71/EPS, 5-11.

21. Keith Hayward, "Situational Crime Prevention and its Discontents: Rational Choice Theory versus the Culture of Now," *Social Policy & Administration Magazine* 41 (2007): 232.

22. Expected Punishment

23. Severity

24. Certainty

25. Risk

برای بزهکار نیز به همین ترتیب، دو برابر می‌شود. به این ترتیب اگر مجازات موردانتظار در فرض اول باید حداقل دو میلیون ریال باشد تا بازدارندگی مطلوب تأمین شود، در فرض دوم این میزان باید به چهار میلیون ریال افزایش پیدا کند؛ اما تحقیقات بعدی نشان داد که این فرض لزوماً صحیح نیست و میزان افزایش مطلوبیت یک نتیجه برای افراد، ارتباط مستقیمی با نوع نگرش آنها به ریسک دارد. از این منظر افراد به سه دسته تقسیم می‌شوند: بی‌تفاوت به ریسک^{۲۶}، ریسک‌طلب^{۲۷} و ریسک‌گریز^{۲۸}.

هر یک از این سه گروه به‌نحو متفاوتی تحت تأثیر مؤلفه‌های شدت و قطعیت مجازات قرار می‌گیرند. افرادی که ریسک‌طلب هستند، با افزایش قطعیت مجازات، بیشتر بازداشته می‌شوند؛ اما افراد ریسک‌گریز با افزایش شدت مجازات. برای افراد بی‌تفاوت به ریسک نیز شدت و قطعیت مجازات دارای اثر بازدارنده یکسان است.

۱-۲-۲- بازدارندگی نسبی

رویکرد عقلانیت مطلق، به‌دلیل غیرواقعی بودن این فرض که انسان موجودی کاملاً حسابگر و دارای عملکرد سنجیده و عقلانی است، موردانتقادات جدی قرار گرفت. حتی تجربیات و مشاهدات زندگی روزمره نیز نشان‌دهنده مصادیق متعددی از رفتارهای غیرعقلانی و ناسنجیده افراد است. نخستین نشانه‌ها از آغاز دوران افول اندیشه عقلانیت مطلق در ارتکاب جرم، در دهه ۱۹۵۰ و با طرح مفهوم «عقلانیت مقید»^{۲۹} توسط یک جامعه‌شناس، روانشناس و اقتصاددان آمریکایی به نام «هربرت سیمون»^{۳۰}، پدیدار شد. ^{۳۱} انگاره عقلانیت مقید بدان معناست که انسان از عقلانیت برخوردار است اما نه از آن عقلانیت مضیق، دقیق و بی‌نقصی که نظریه فایده‌موردانتظار، ترسیم می‌کند. ^{۳۲} نظریه عقلانیت مقید در ارتکاب جرم، این اصل را برای تبیین فرایند تصمیم‌گیری بزهکار درمورد ارتکاب جرم مورد استفاده قرار داده

26. Risk Neutral

27. Risk Lover

28. Risk Averter

29. Bounded Rationality

30. Herbert Simon

هربرت سیمون در سال ۱۹۷۸ به‌دلیل تحقیقات خود درمورد فرایندهای تصمیم‌گیری در سازمان‌ها جایزه نوبل اقتصاد را از آن خود کرد.

۳۱. یداله دادگر، مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد (تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت

مدرس و نور علم، ۱۳۸۹)، ۳۱۴.

۳۲. سیمون مفهوم عقلانیت مقید را در سال ۱۹۵۷ و در این کتاب مطرح کرد:

Herbert Simon, *Models of Man: Social and Rational* (New York: Wiley, 1957).

است.^{۳۳}

عقلانیت مقید بدان معناست که بیشتر انسان‌ها بر مبنای اطلاعات محدود اقدام به اتخاذ تصمیم می‌کنند و غالباً نیز به‌جای قواعد علمی، از تجربیات زندگی روزمره^{۳۴} برای تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند؛ بنابراین انتخاب‌هایی که آنها انجام می‌دهند، لزوماً بهترین انتخاب‌های ممکن نیستند که حداکثر فایده ممکن را برای آنها به‌دنبال داشته باشند؛ بلکه انتخاب‌هایی هستند که همین انسان‌های دارای عقلانیت مقید که اطلاعات محدودی نیز در اختیار دارند و قدرت شناختی و توانایی‌های ذهنی آنها نیز محدود است را راضی می‌کند.^{۳۵} تصمیمی هم که می‌گیرند، لزوماً بهترین تصمیم نیست. آنها به‌جای تصمیمات بهینه «تصمیمات راضی‌کننده»^{۳۶} می‌گیرند، تصمیمی که آنها را راضی کند که بهترین تصمیم ممکن را گرفته‌اند.^{۳۷}

به این ترتیب تصویری که بر اساس مفهوم عقلانیت مقید از انسان ارائه می‌شود، یک انسان «معمولی» است و نه انسانی که کاملاً خردمند، حسابگر و آگاه است و از این‌رو بیشتر به یک موجود خیالی شبیه است تا انسان‌هایی که در این دنیا زندگی می‌کنند. یک انسان معمولی به‌دنبال آن است که بهترین تصمیم را بگیرد اما در این راه با محدودیت‌هایی مواجه است: اطلاعات و آگاهی‌هایی که وی دارد، محدود است، توانایی‌های ذهنی او برای تحلیل موضوعات مختلف محدود هستند، از اراده کافی برای دنبال کردن تصمیمات بهینه برخوردار نیست و ...

نظریه عقلانیت مقید در بزهکاری، بدان معناست که اگرچه فرد در مقام تصمیم‌گیری برای ارتکاب جرم، به‌دنبال آن است که بهترین تصمیم را اتخاذ کند و بیشترین نتیجه مثبت را عاید خود سازد، اما محدودیت‌ها و نواقصی که وی به‌طور طبیعی برای شناخت وضع موجود و تحلیل آن دارد، باعث می‌شود که تصمیم وی لزوماً تصمیم بهینه و دارای بیشترین نتیجه مثبت ممکن نباشد. به این ترتیب ارتکاب جرم در بسیاری از موارد، مصداقی از یک انتخاب با مطلوبیت «کمتر از حد بهینه»^{۳۸} است.^{۳۹}

۳۳. مهدی یادی پور، مقدمه‌ای بر حقوق و اقتصاد (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹)، ۲۱۲.

34. Rules of Thumb

۳۵. شاخه‌ای از علم اقتصاد که به بررسی تأثیر عقلانیت مقید بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی انسان می‌پردازد،

اقتصاد رفتاری (Behavioral Economics) نامیده می‌شود.

36. "Satisficing Decisions" rather than "Optimal Decisions"

۳۷. موریس کوسن، اصول جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌اله صدیق (تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۵)، ۱۱۹.

38. Suboptimal

۲- تحلیل جلوه‌های همسو و مغایر بازدارندگی در جرایم زیست‌محیطی

از آنجایی که شدت، قطعیت و سرعت به‌عنوان عناصر مهم و کلیدی در نظریه بازدارندگی مطرح می‌باشند فلذا در این فصل به تحلیل جلوه‌هایی که همسو و یا مغایر با بازدارندگی در این دسته از جرایم هستند، می‌پردازیم.

۲-۱- جلوه‌های همسو

منظور از جلوه‌های همسو، جلوه‌هایی هستند که در نظام حقوقی ایران، موجب تحقق بازدارندگی ارتکاب جرایم زیست‌محیطی در پرتو نظریه بازدارندگی خواهند شد که در این مجال به بررسی این جلوه‌ها می‌پردازیم.

۲-۱-۱- تمایز میان جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی

تروریسم امروزه، در رأس دغدغه‌های هر نظام حقوقی است به‌گونه‌ای که اکثر کشورها با اینکه به تعریفی جامع و مانع از این جرم دست نیافته‌اند اما به مبارزه خود علیه این پدیده شوم ادامه می‌دهند. یکی از نظام‌های حقوقی که توانسته درخصوص تروریسم در قوانین کیفری خود قلم‌فرسایی کند، فرانسه می‌باشد. اهمیت مبارزه و مقابله با تروریسم به‌عنوان یک پدیده جهانی از یک‌سو و جلوگیری از آسیب‌های شدید به محیط‌زیست از سوی دیگر، قانونگذار فرانسوی را بر آن داشته که در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۲ میلادی اجرایی ۱۹۹۴، به تعریف یکی از مهم‌ترین انواع تروریسم به‌نام تروریسم زیست‌محیطی مبادرت ورزد که این یکی از ابتکارات قانون مجازات فرانسه است. مقنن فرانسوی در واقع، در ادامه سیاست‌های حمایتی خود از منافع حیاتی و اساسی ملت فرانسه، به جرم‌انگاری تروریسم زیست‌محیطی اقدام نمود.^{۳۹} در واقع، قانونگذار فرانسه با وضع ماده ۲-۴۲۱ بر حق بر محیط‌زیست سالم اشاره صریحی داشته و برای نخستین بار یک تفکیک مناسبی را از جرم زیست‌محیطی با تروریسم زیست‌محیطی ارائه داده است.

جرایم زیست‌محیطی امروزه به‌صورت سازمان‌یافته ارتکاب می‌یابند و با توجه به خصیصه‌هایی که این دسته از جرایم دارا هستند همچون حالت خطرناکی مجرمان زیست‌محیطی، مطرح بودن ضرر در سطوح ملی، منطقه‌ای و فراملی، می‌توانند در قالب

39. Javier Estrada, "Law and Behavioral Economics," Working Paper, IESE Business School, Department of Finance, October 2001, 12.

40. Yves Mayaud, *Le Terrorism* (Paris: Dalloz, 1997), 24.

تروریسم نیز مطرح شوند. یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط‌زیست عبارت است از اینکه یک حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست به‌عنوان میراث مشترک بشری صورت بگیرد. یکی از جلوه‌های حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط‌زیست، ارائه تفکیکی مناسب درباره جرم زیست‌محیطی با تروریسم زیست‌محیطی است.

تفکیک جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی باعث می‌شود تا رویکرد سخت‌گیرانه‌ای در حوزه تقنین نسبت به مرتکبان تروریسم زیست‌محیطی اتخاذ شود و مقنن درخصوص مجرمان این دسته اخیر با وضع مجازات‌های شدیدتر اهداف بازدارندگی کیفر را بهتر تأمین نماید. در همین راستا مقنن در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی برخی از مصادیق تروریسم را از جمله تروریسم زیست‌محیطی را ذیل عنوان افساد فی‌الارض پیش‌بینی کرده است بدون آنکه عنوان مجرمانه مستقلی پیش‌بینی نماید.

شناسایی تروریسم زیست‌محیطی به‌عنوان یک جرم حدی در نظام حقوقی ما پسندیده و مقبول است، چراکه این گونه نوین از تروریسم مجازات‌های ثابتی را می‌طلبد و جرم‌انگاری در قالب تعزیر شاید دارای فوایدی باشد، از جمله اینکه در فقه شیعه اجرای حدود در عصر غیبت مخالفانی دارد که با این روش می‌توان جانب احتیاط را رعایت نمود.^{۴۱} و همچنین باب حدود را نباید گسترش داد و جرم‌انگاری و مجازات تروریسم زیست‌محیطی اگر در ذیل قاعده التعزیر لکل محرم قرار بگیرد، باب حدود نیز گسترش نمی‌یابد؛ اما به‌نظر می‌رسد که جرم‌انگاری این قسم از تروریسم در قالب تعزیرات کار شایسته‌ای نباشد چراکه اصل تناسب جرم و مجازات رعایت نخواهد شد. امروزه، کشورها درجهت مبارزه با تروریسم و تضمین حقوق اساسی افراد از اسلوب‌های جدید جرم‌انگاری استفاده می‌کنند.^{۴۲} که یکی از مهم‌ترین این اسلوب‌ها استفاده از مجازات‌های ثابت و انعطاف‌ناپذیر است، البته این سخت‌گیری کیفری درخصوص مجرمان تروریستی مبتنی بر سیاست‌زدگی غیرعلمی نیست بلکه مبتنی بر مطالعات جرم‌شناسی و حالت خطرناک بالای این دسته از مجرمان است.

باتوجه به اینکه تروریسم زیست‌محیطی یکی از مصادیق بارز افساد فی‌الارض است فلذا بهتر است که ذیل همین عنوان مجرمانه در حدود قرار بگیرد چراکه عمل ارتكابی در جرم

۴۱. محمدهادی نبوی، جرم‌انگاری تروریسم از منظر آموزه‌های فقه جعفری و حنفی (تهران: نشر مجد، ۱۳۹۴)،

۲۰۸

۴۲. محمود مجیدی، «راهکارهای تأمین جرم‌انگاری توسعه‌گرا در حقوق کیفری»، پژوهشنامه حقوق کیفری

(۱)۶ (۱۳۹۶)، ۲۷۷.

افساد فی‌الارض، اعتدال زمین را به‌عنوان زیستگاه انسان‌ها مختل نموده و آن را برای سکونت انسان نامناسب می‌نماید.^{۴۳}

اما به‌نظر می‌رسد با توجه به وضعیت موجود در نظام حقوقی ما که مصادیق تروریسم زیست‌محیطی در قالب افساد فی‌الارض جای داده شده و ابهام‌گویی‌های فراوانی دارد، رویکردی دشمن‌مدار در خصوص مجرم به خود گرفته است و بهتر است با شفاف‌سازی مفاهیم گسترده، اخلال شدید و ... آزادی شهروندان را نیز در کنار امنیت آنها موردتضمین قرار دهد چراکه با ابهام‌گویی، بسیاری از شهروندان ممکن است مشمول مجازات‌های ثابت حدی قرار گرفته و آزادی‌های ایشان پایمال شود. شفاف‌سازی در این امر باعث می‌شود که جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی به‌خوبی تفکیک شده و یک جرم فی‌نفسه تعزیری به‌خاطر ابهام‌گویی‌ها مشمول حد قرار نگیرد. حقوق‌دانان فرانسوی نیز استفاده مقنن از الفاظ مبهم را ناقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دانسته‌اند.^{۴۴}

به‌طورکلی بازدارندگی در عرصه تقنین با تفکیک جرم زیست‌محیطی از تروریسم زیست‌محیطی و وضع مجازات‌های شدیدتر برای دسته اخیر تأمین شده است.

۲-۱-۲- وجود ضابطین خاص و دادسراهای تخصصی

اعلامیه ریو در اصل ۱۰ خود درجهت دستیابی به مراجع قضایی تخصصی و افتراقی مقرر می‌دارد: «بهتر است مسائل مربوط به محیط‌زیست با مشارکت همه شهروندان ذی‌ربط در سطحی مطلوب بررسی گردد، در سطح ملی هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات در مورد محیط‌زیست در اختیار دارند از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته باشد و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نماید. دولت‌ها باید با دادن اطلاعات به مردم، حساسیت و مشارکت عموم را تسهیل و تشویق نمایند. دستیاری و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری تخصصی، از جمله مجازات و جبران خسارت، باید تضمین گردد.»

امروزه، عصر برخورد یکسان با بزهکاری به‌سر آمده است و با متنوع شدن جرایم، بزهکاران و بزه‌دیدگان، از نظر گونه‌شناسی باید متنوع کردن راهبردها و پاسخ‌های حقوق

۴۳. حسین میرمحمدصادقی، حقوق جزای اختصاصی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶)، جلد سوم، جرایم علیه امنیت

و آسایش عمومی، ۵۸.

44. Jean Pradel, et Michel Danti-juan, *Manuel dr Droit Pénal Special* (Paris: Cujas, 1994), 2 édit, 763.

کیفری و به‌طور کلی سیاست جنایی را نیز بررسی نمود. فلذا در اینجا سخن از افتراقی شدن آیین دادرسی به‌میان می‌آید و افتراقی‌سازی جهت تسریع رسیدگی‌ها مطرح شده است. اگر قوانین مربوط به محیط‌زیست با دقت و باتوجه‌به اصول و اهداف نظام حقوق کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف قوانین مربوط، اعتقاد و باور نداشته باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست شده و عملاً در این حوزه توفیقی به‌دست نمی‌آید.^{۴۵}

وجود دادسرا و دادگاه‌های تخصصی در جهت رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی تأثیر بسزایی در بازدارندگی کیفر می‌تواند ایفاء نمایند، چراکه وجود نهادهای تخصصی با قضات حرفه‌ای و آموزش‌دیده از یک‌سو با اعمال کیفرهای مناسب، مؤلفه شدت و قطعیت را زیر سؤال نمی‌برد و از سوی دیگر در تحقق سرعت رسیدگی‌ها و اجرای مجازات‌ها نقش مؤثری خواهد داشت. بر اساس ظرفیتی که در ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، در همین راستا، رئیس قوه قضائیه، تأسیس دادسراهای تخصصی را در شهرستان‌های تهران، اردبیل و ... در زمینه رسیدگی تخصصی به جرایم زیست‌محیطی تجویز نمود. دادسرای انفال و منابع طبیعی که از سال ۱۳۸۱ شروع به کار کرده بود قبلاً به جرم زمین‌خواری رسیدگی می‌کرد که در چند سال اخیر به تمامی جرایم زیست‌محیطی رسیدگی می‌کند و به‌عنوان یک نهاد تخصصی در مرحله پیش دادرسی فعالیت دارد.

با وجود این دادسرای تخصصی، اصل سرعت در مرحله پیش‌دادرسی رعایت شده و بازدارندگی از لحاظ مؤلفه سرعت تا حدود زیادی به منصفه ظهور می‌رسد چراکه بازدارندگی در عرصه قضا با تخصصی کردن نهادها و آموزش حرفه‌ای و تخصصی قضات تحقق می‌یابد.

۲-۲- جلوه‌های مغایر

منظور از جلوه‌های مغایر، مواردی هستند که وجودشان مغایر با بازدارندگی و مؤلفه‌های این نظریه می‌باشد که عبارت‌اند از:

۲-۲-۱- جزای نقدی نامناسب

از آنجایی که یکی از مؤلفه‌های نظریه بازدارندگی، شدت است، این مؤلفه در جرایم

۴۵. غلامحسین کوشکی، «چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی ۱۷ و ۱۸ (۱۳۸۸)، ۱۰۱.

زیست‌محیطی دارای کارایی مناسب و درخور توجهی است. کیفر جزای نقدی در حقوق محیط‌زیست ایران شایع‌ترین کیفر است و سیاست کیفری ایران در زمینه مقابله با جرایم زیست‌محیطی مبتنی بر جزای نقدی است. شاید علت اینکه مقنن در جرایم زیست‌محیطی سیاست کیفری خود را ابتدائاً مبتنی بر جزای نقدی استوار کرده، این باشد که بازدارندگی بیشتری داشته باشد. به عبارتی، کسانی که مرتکب جرم می‌شوند به دورنمای کیفر بی‌توجه و بی‌تفاوت نمی‌باشند. البته، حفظ شرط بازدارندگی منوط به تناسب کیفر با شدت جرم می‌باشد. درخصوص یک جرم زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا به نظر می‌رسد که جزای نقدی با وجود اینکه شایع‌ترین کیفر می‌باشد اما به صورت مستقیم نمی‌تواند به مقابله با آلودگی هوا بپردازد. البته به این نکته مهم اشاره نماییم که اگر جزای نقدی از شدت کافی برخوردار بوده باشد از قدرت بازدارندگی بالایی برخوردار خواهد بود. فی‌الواقع، میزان جزای نقدی مناسب در رفتار بزهکار و بازدارندگی وی از ارتکاب جرم اثر بسزائی دارد.^{۴۶}

حقوق دانان، امتیازاتی را برای مجازات جزای نقدی قائل شده‌اند که عبارت‌اند از:

الف) جزای نقدی، معایب زندان را از جهت عامل تباهی اخلاق محکومان ندارد؛

ب) درمورد مرتکبین تکرار جرم، قدرت ارعابی و بازدارندگی خود را حفظ می‌کند، زیرا این قبیل مجرمین به زندان عادت می‌کنند، درحالی که این مسئله درمورد جزای نقدی صدق نمی‌کند؛

ج) درمورد اشتباهات قابل جبران است؛

و ...^{۴۷}

بر مبنای همین دلایل فوق‌الذکر بوده که مقنن ایران، جزای نقدی را به‌عنوان شایع‌ترین کیفر برگزیده است. در مجموع نیز می‌توان گفت که در جرایم زیست‌محیطی که عمدتاً جنبه‌های سودجویی و استفاده مالی موردنظر مرتکبین آنها می‌باشد فلذا مناسب است که در جهت مقابله و خنثی‌سازی آن از مجازات مالی جزای نقدی استفاده نمود. البته درخصوص جزای نقدی، یکی از انتقاداتی که به این مجازات وارد شده، عبارت است از اینکه ناقض اصل شخصی بودن مجازات‌هاست چراکه نقش بازدارندگی این اصل به‌ویژه نسبت به واحدهای آلاینده‌ای که دارای درآمد و سود سرشاری هستند، بسیار کم است و این دسته به‌راحتی از

۴۶. مرتضی نعیمی، «تحلیل اقتصادی رفتار بزهکار و تبیین بازدارندگی مجازات»، پژوهشنامه حقوق کیفری

گیلان (۲) ۶ (۱۳۹۴)، ۲۲۴.

۴۷. قوام میرعظیم، حمایت کیفری از محیط‌زیست (تهران: نشر سازمان حفاظت از محیط‌زیست، ۱۳۷۵)، ۹۲.

عهدده پرداخت جرایم آلودگی برآمده و سپس با سرشکن کردن این هزینه‌ها بر عوامل تولید نظیر کارکنان و مصرف‌کنندگان به جبران آن می‌پردازند.^{۴۸} اما در قبال این استدلال و نظر بایستی این‌گونه بیان داشت که شدت جزای نقدی ناظر به بازداشتن اشخاص از ارتکاب این جرایم است، بدین‌معنا که اگر جزای نقدی شدیدی برای واحد آلوده‌کننده در نظر گرفته شود فی‌الواقع این واحد اقدام به آلوده نمودن محیط‌زیست نخواهد نمود چراکه نتیجه آن پرداخت یک جزای نقدی هنگفتی خواهد بود. فلذا در هنگام وضع جزای نقدی شدید هدف مقنن نوعی پیشگیری کیفری بوده است که شخص در ابتدا با سنجش میزان بالای جزای نقدی دست به ارتکاب جرم نخواهد زد.

یکی از ایرادهای بارز در حوزه ضمانت‌اجراهای زیست‌محیطی، بازدارنده نبودن مجازات‌ها از لحاظ میزان جزای نقدی است، چراکه در تبیین دلایل رفتارهای آلاینده‌کنان و مخربان محیط‌زیست به‌ویژه اشخاص حقوقی به‌عنوان مهم‌ترین مرتکبان این دسته از جرایم نظریه‌های مختلفی مطرح شده که یکی از این نظریه‌ها «رویکرد اقتصادی» است. باتوجه‌به اینکه اکثر جرایم زیست‌محیطی توسط اشخاص حقوقی مطلع و توأم با سنجش سود و زیان ارتکاب می‌یابد، توجه به رویکرد اقتصادی می‌تواند در وضع ضمانت‌اجراهای کارآمد مناسب باشد. کیفر جزای نقدی در حقوق محیط‌زیست ایران شایع‌ترین کیفر است و سیاست کیفری ایران در زمینه مقابله با جرایم زیست‌محیطی مبتنی بر جزای نقدی است. مؤلفه شدت در مجازات جزای نقدی در جهت کنترل خشونت‌های زیست‌محیطی از طرف مجرمان مخصوصاً شرکت‌ها که دارای منفعت سرشاری هستند، می‌تواند مؤثر باشند. بایستی مقرراتی وضع شود که به‌موجب آن، محاکم مجاز باشند، میزان جزای نقدی را به تناسب درآمد و دارایی محکوم و متناسب با استفاده وی از جرم ارتكابی تعیین نمایند. برای وصول به این هدف بایستی به میزان حداکثر جزای نقدی افزوده شود و سیستم برقراری جزای نقدی نسبی توسعه یابد.

البته لازم به ذکر است که در ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز برای جبران عقب‌افتادگی جزای نقدی مقرر در همه قوانین گفته شده است: «کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله جزای نقدی به تناسب نرخ تورم اعلام‌شده به‌وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیئت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم‌الاجرا می‌گردد.» این ماده تا حدود زیادی

۴۸. علی مشهدی، حقوق آلودگی هوا (تهران: نشر خرسندی، ۱۳۹۲)، ۱۳۶.

می‌تواند مفید واقع شود ولی چاره کار پیش‌بینی مقرراتی در خود قوانین ناظر به محیط‌زیست است. به نظر می‌رسد که یکی از اقدامات مفیدی که برای برطرف نمودن ضعف تأثیرپذیری جزای نقدی از نوسان‌های پول رایج می‌توان انجام داد، اعمال جزای نقدی نسبی به جای جزای نقدی ثابت است که در بالا به آن اشاره کردیم.

۲-۲-۲- استفاده نابجا و سلیقه‌ای از نهادهای تخفیف

نهادهای تخفیف همچون عفو، آزادی مشروط و تعلیق کیفر علی‌رغم فواید فراوانی که دارند، می‌توانند مؤلفه حتمیت اجرای مجازات را شدیداً تحت تأثیر قرار دهند. درخصوص جرایم زیست‌محیطی یکی از نقاط ضعف جدی که احساس می‌شود، عبارت است از اینکه مقنن در جهت تصویب قانونی جامع در راستای جرم‌انگاری و کیفردهی جرایم زیست‌محیطی گام برنداشته است. قوانین زیست‌محیطی دارای پراکندگی بوده و به نظر می‌رسد که نظام تقنینی، قضایی و اجرایی ایران در این مورد نیز مثل برخی حوزه‌های دیگر از کثرت و تنوع و فرسودگی برخی قوانین اطاله دادرسی و ناکارآمدی دستگاه عدالت کیفری و تعدد متولیان اجرایی رنج می‌برد. مروری بر قوانین حوزه محیط‌زیست در ایران و وجود حجم انبوهی از مواد قانونی در مجموعه‌های متعدد، حاکی از پراکندگی و آشفتگی در جرم‌انگاری است. به‌نحوی که تدوین مجموعه‌ای حجیم بالغ بر ۱۰۰۰ صفحه تحت عنوان مجموعه قوانین محیط‌زیست توسط سازمان حفاظت از محیط‌زیست گواه این مدعاست.^{۴۹}

باتوجه به اینکه قوانین راجع به جرایم زیست‌محیطی در سال‌های دور به تصویب رسیده است و از لحاظ مجازات‌ها از شدت کافی برخوردار نیست (البته در آن زمان شاید مناسب به نظر می‌رسید) همین امر باعث شده است که از جرایم تعزیری درجه پایین محسوب شود و نهادهای تخفیف درخصوص این دسته از جرایم نیز مورد استفاده قرار گیرد. درواقع می‌توان این‌گونه بیان داشت که فرسودگی قوانین راجع به این دسته از جرایم که مؤلفه شدت را زیر سؤال می‌برد، تالی فاسد مهمی را دربر خواهد داشت که آن عبارت است از اینکه مؤلفه قطعیت را نیز زیر سؤال می‌برد چراکه فرسودگی قوانین باعث شده تا به‌علت کم بودن شدت مجازات‌ها، قطعیت مجازات‌ها با استفاده نابجا از نهادهای تخفیف زیر سؤال برود.

۴۹. حسین پوربافرانی و مرضیه همتی، «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی»، فصلنامه مجلس و راهبرد ۲۳(۸۷) (۱۳۹۵)، ۳۵۳.

۲-۲-۳- فقدان دادگاه‌های تخصصی رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی

وجود برخی خلأهای قانونگذاری و یا عدم توجه مقنن به الزامات ناظر بر موضوعات و مسائل محیط‌زیستی و عدم برخورد افتراقی با مسائل این حوزه را می‌توان عامل بسیاری از ناکامی‌های حقوق کیفری در مبارزه با جرایم زیست‌محیطی دانست.^{۵۰}

بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، برای نخستین بار در حوزه محیط‌زیست یک سند فرابخشی ارائه شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت (قوای حاکم) است. در بند ۴ مقرر شده است که «پیشگیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط‌زیست و الزام آنان به جبران خسارت» یکی از سیاست‌های کلی محیط‌زیست است. همان‌طور که می‌دانیم مجازات زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که مؤلفه قطعیت و سرعت را دارا باشد. مؤلفه سرعت در رسیدگی‌ها با پیش‌بینی دادرسی و دادگاه‌های تخصصی و افتراقی امکان‌پذیر است و قطعیت نیز با وجود قضات تخصصی و آموزش‌دیده به منصف ظهور می‌رسد.

در بخشی از اصل ۱۰ اعلامیه ریو^{۵۱} نیز آمده است: «دستیاری و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری متخصص، از جمله مجازات و جبران خسارت بایستی تضمین شود.» این مقرر نشان می‌دهد که دسترسی به عدالت قضایی در سه مرحله قابل‌مشاهده و نیازمند توجه است. مرحله ابتدایی همان دسترسی به مراجع تخصصی و افتراقی جرایم زیست‌محیطی، مرحله میانی همان دسترسی به فرایندی که عادلانه و مؤثر باشد و مرحله نهایی که همان دسترسی به لوازم اجرایی و جبران خسارت‌هایی که تصمیم دادگاه را تأمین نماید و جهت پیشگیری و جبران صدمات محیط‌زیست قابل‌پذیرش باشد.^{۵۲}

در نظام حقوقی ایران، دادرسی تخصصی محیط‌زیست بر اساس ظرفیت ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری در برخی از شهرستان‌ها به‌وجود آمده اما عدم‌پیش‌بینی دادگاه‌های تخصصی در این حوزه و باتوجه‌به اختیاری بودن ماده ۲۵ قانون فوق‌الذکر به‌نظر می‌رسد که رویکرد فنی و تخصصی در زمینه رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی رعایت نشده فلذا

۵۰. آذر علی‌نژاد، «سیاست جنایی مشارکتی در حوزه جرایم محیط زیستی» (رساله دکترای، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۵)، ۱۵۸.

۵۱. اعلامیه ریو، یکی از مهم‌ترین اسنادی است که توسط کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست

و توسعه به‌تصویب رسیده است.

52. Rob White, "Environmental Crime and Problem-Solving Courts," *Crime Law and Social Change* 59(3) (2013): 269.

استفاده‌های نابجا و سلیقه‌ای از نهادهای تخفیف از سوی قاضی ناآشنا به مسائل تخصصی محیط‌زیست، مؤلفه قطعیت و حتمیت را زیر سؤال خواهد برد چراکه قوانین راجع به این حوزه علاوه بر اینکه از قدیمی بودن و کم بودن میزان مجازات‌ها رنج می‌برد از سوی دیگر نبود رویکردی فنی و تخصصی در یک قاضی رسیدگی‌کننده باعث خواهد شد که همین مجازات‌ها نیز به حداقل‌گرایی قانونی بپیوندند و استفاده از نهادهای تخفیف به صورت ناصواب رواج پیدا کند. مرحله دادرسی مهم‌ترین مرحله آیین دادرسی محسوب می‌شود چراکه در این مرحله است که مجازات تعیین می‌شود و اگر از سوی قضات ناآشنا به مسائل زیست‌محیطی این مرحله به اتمام برسد، مؤلفه‌های شدت و حتمیت به شدت زیر سؤال خواهد رفت، همچنین به علت افتراقی نشدن رسیدگی‌ها با توجه به پرونده‌های متعددی که در شعبات در حال رسیدگی است، با اطاله دادرسی نیز روبه‌رو خواهیم بود که این آسیب نیز مؤلفه سرعت در رسیدگی و اجرای مجازات‌ها را زیر پا گذاشته و رسالت عظیم بازدارندگی را با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت.

نتیجه

حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به عنوان یک حق بنیادین بشری مطرح است، به گونه‌ای که در عالی‌ترین سند حقوقی کشور، یعنی قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. یکی از تضمین‌های جدی در خصوص مقابله و مبارزه با ارتکاب جرایم زیست‌محیطی تأکید بر نظریه بازدارندگی کیفر می‌باشد. نظریه بازدارندگی کیفر با سیر تحولاتی که پشت سر گذاشته است، امروزه در خصوص خشونت‌های زیست‌محیطی قابل تحلیل و بررسی به نظر می‌رسد، چراکه ارتکاب جرایم زیست‌محیطی بیشتر از سوی مجرمانی با حالت خطرناکی بالا و یقه‌سبز ارتکاب می‌یابد و شدت و قطعیت در خصوص مجازات این دسته از مجرمان نه تنها مفید است بلکه امری ضروری به نظر می‌رسد.

عنصر شدت در نظریه بازدارندگی در خصوص این دسته از جرایم در مجازات جزای نقدی می‌تواند کارساز و مفید باشد، چراکه در جرایم زیست‌محیطی که عمدتاً جنبه‌های سودجویی و استفاده مالی مورد نظر مرتکبین آنها می‌باشد، مناسب است که در جهت مقابله و خنثی‌سازی آن از مجازات مالی جزای نقدی استفاده نمود.

مؤلفه شدت در مجازات جزای نقدی در جهت کنترل جرایم زیست‌محیطی علی‌الخصوص آلودگی هوا، از طرف مجرمان مخصوصاً شرکت‌ها که دارای منفعت سرشاری هستند، می‌تواند

مؤثر باشند. بایستی مقرراتی وضع شود که به‌موجب آن، محاکم مجاز باشند میزان جزای نقدی را به تناسب درآمد و دارایی محکوم و متناسب با استفاده وی از جرم ارتكابی تعیین نمایند. برای وصول به این هدف بایستی به میزان حداکثر جزای نقدی افزوده شود و سیستم برقراری جزای نقدی نسبی توسعه یابد. از سوی دیگر از آنجایی که حتمیت یکی از مؤلفه‌های اصلی نظریه بازدارندگی است، استفاده از نهادهایی مانند عفو، آزادی مشروط و تعلیق کیفر می‌توانند حتمیت اجرای مجازات را شدیداً تحت تأثیر قرار دهند؛ بنابراین از دیدگاه رویکردی اقتصادی، سیاست کیفری مطلوب در این زمینه مبتنی بر ضمانت‌اجراهای شدید مالی با حذف اختیارات قضایی در به‌کارگیری نهادهای ارفاقی می‌باشد. تشکیل دادگاه‌های تخصصی نیز در کنار دادرهای تخصصی می‌تواند مفید واقع شود تا رویکرد قضات نسبت به مجرمان محیط‌زیست یک رویکرد سخت‌گیرانه باشد و در هنگام صدور حکم از جهت انتخاب حداقل یا حداکثر قانونی بهترین انتخاب را با توجه به شدت نتایج زیان‌بار و خطرناکی مجرم داشته باشد و از این جهت مؤلفه‌های شدت و حتمیت نیز تحقق پیدا می‌کند و با توجه به تشکیل این دادگاه تخصصی، سرعت در رسیدگی‌ها و اجرای مجازات نیز میسر خواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آنسل، مارک. *دفاع اجتماعی*. چاپ چهارم. ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۱.
- بولک، برنار. *کیفرشناسی*. چاپ سوم. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
- پرادل، ژان. *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- پوربافرانی، حسن، مرضیه همتی. «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی». *فصلنامه مجلس و راهبرد* ۸۷ (۱۳۹۵): ۳۴۹-۳۷۳.
- تقی‌زاده دوغبکلا، جواد. «مسئله اساسی‌سازی نظم حقوقی». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۱۱ (۱۳۸۳): ۱۶۹-۱۲۲.
- دادگر، یداله. *مؤلفه‌ها و ابعاد اساسی حقوق و اقتصاد*. تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و نور علم، ۱۳۸۹.
- زارع مهدوی، قادر، حمیدرضا دانش‌ناری. *امنیت بین‌المللی و جرایم زیست‌محیطی*. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
- زهره‌وندی، مهدی. «نقش قوه قضائیه در قبال مسائل زیست‌محیطی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
- صفاری، علی. «کیفرشناسی و توجیه کیفر» در *علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)*. جلد دوم. کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر. ۱۵۱-۹۸. تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
- عبداللهی، محسن. «جنایت بر ضد محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل». *مجله علوم محیطی* ۱ (۱۳۸۲): ۴۹-۶۴.
- عبداللهی، محسن. «حمایت کیفری از محیط‌زیست، تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی». *مجله پژوهشکده علوم محیطی* ۵ (۱) (۱۳۸۶): ۹۷-۱۱۷.
- علی‌نژاد، آذر. «سیاست جنایی مشارکتی در حوزه جرایم محیط‌زیستی». رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- کوسن، موریس. *اصول جرم‌شناسی*. ترجمه میرروح‌اله صدیق. تهران: انتشارات دادگستر، ۱۳۸۵.
- کوشکی، غلامحسن. «چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی». *فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی* ۱۷ و ۱۸ (۱۳۸۸): ۸۷-۱۰۴.

- گرچی فرد، حمیدرضا. *جرم‌شناسی سبز*. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵.
- لازرژ، کریستین. *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۲.
- مجیدی، محمود. «راهکارهای تأمین جرم‌انگاری توسعه‌گرا در حقوق کیفری». *پژوهشنامه حقوق کیفری* ۶ (۱۳۹۶): ۲۷۸-۲۵۹.
- محمودی‌جانکی، فیروز، سارا آقایی. «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات». *فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)* ۳۸ (۱۳۸۷): ۳۶۱-۳۳۹.
- مشهدی، علی. *حقوق آلودگی هوا*. تهران: نشر خرسندی، ۱۳۹۲.
- میرعظیم، قوام. *حمایت کیفری از محیط‌زیست*. تهران: نشر سازمان حفاظت از محیط‌زیست، ۱۳۷۵.
- میرمحمدصادقی، حسین. *حقوق جزای اختصاصی*. جلد سوم، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
- نبوی، محمدهادی. *جرم‌انگاری تروریسم از منظر آموزه‌های فقه جعفری و حنفی*. تهران: نشر مجد، ۱۳۹۴.
- نعیمی، مرتضی. «تحلیل اقتصادی رفتار بزهکار و تبیین بازدارندگی مجازات». *پژوهشنامه حقوق کیفری گیلان* ۶ (۱۳۹۴): ۲۲۹-۲۰۳.
- یادی‌پور، مهدی. *مقدمه‌ای بر حقوق و اقتصاد*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹.

ب) منابع خارجی

- Doob, A.N. *Issues Related to Harsh Sentences and Mandatory Minimum Sentence: General Deterrence and Incapacitation*. Toronto: Center for Criminology Sociological Studies, University of Toronto, 2014.
- Estrada, Javier. "Law and Behavioral Economics." Working Paper, IESE Business School, Department of Finance, October 2001.
- Grant, Simon Harold, Timothy Van Zandt. "Expected Utility Theory." (November 25, 2007). INSEAD Business School Research Paper No. 2007/71/EPS, 5-11.
- Hayward, Keith. "Situational Crime Prevention and its Discontents: Rational Choice Theory versus the Culture of Now." *Social Policy & Administration Magazine* 41 (2007): 232-250.
- Mayaud, Yves. *Le Terrorism*. Paris: Dalloz, 1997.
- Pradel, Jean, et Michel Danti-juan. *Manuel dr Droit Pénal Special*. 2 édit. Paris: Cujas, 1994.
- Uhlmann, David M. "Protection of the Environment through Criminal Law: An American Perspective." *Law Review* 6(2) (December 2016): 144-163.
- White, Rob. "Environmental Crime and Problem-Solving Courts." *Crime Law and Social Change* 59(3) (2013): 267-278.